عوامل مرتبط با تعهدات شهروندی

سیاوش فاطمی‌نیا*، سیامک حیدری**

طرح مسئله: *شهروندان متناسب با پایگاهی که دارند دارای حقوق و تعهداتی هستند. «تعهدات شهروندی» موجب نظم اجتماعی و پیش‌پینی‌پذیری امور می‌شوند. این مفهوم به دلیل ماهیت و محتوایی که دارد تقریباً با تمامی موضوعات و مسائل مطرح در حوزهٔ انسانی و اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند. تحقیق حاضر به دنبال بررسی عوامل مؤثر بر تعهدات شهروندی است.*

روش: *این تحقیق به روش پیمایش انجام گرفته است به این ترتیب که پس از تقسیم تهران به مناطق مختلف با نمونه‌گیری طبقه‌ای و تصادفی با پاسخ‌گویان مصاحبه و اطلاعات مورد نیاز گردآوری می‌شد. جامعهٔ آماری تحقیق، شهروندان بالای ۱۸ سال تهرانی می‌باشند.*

یافته‌ها: *از نتایج تحقیق می‌توان به اثر مثبت و معنادار سرمایهٔ اجتماعی و عام‌گرایی بر تعهدات شهروندی اشاره کرد. احساس ناامنی و آنومی اجتماعی نیز اثری منفی و معنادار بر تعهدات شهروندی دارند. علاوه بر این احساس ناامنی سه اثر غیر مستقیم از طریق کاهش سرمایهٔ اجتماعی و عام‌گرایی، و هم‌چنین افزایش آنومی اجتماعی داشته است. زنان نسبت به مردان از میزان تعهد بیش‌تری برخوردار بوده‌اند. هم‌چنین با افزایش سن بر میزان تعهدات شهروندی نیز افزوده می‌شود.*

نتایج: *بین سطوح کلان و خرد ارتباط وجود دارد لذا در تحلیل عوامل مؤثر بر تعهدات شهروندی باید به نقش ساختارهای کلان و به ویژه ساخت قدرت توجه نمود. به طور کلی می‌توان گفت استبداد روان‌شناسی اجتماعی در جامعه به وجود می‌آورد که تعهدات شهروندی را کاهش می‌دهد و این فرآیند در نهایت موجب بازتولید ساختار کلان و عدم توسعهٔ جامعه مدنی می‌شود.*

کلید واژه‌ها: احساس ناامنی، آنومی اجتماعی، سرمایه اجتماعی، شهروندی، تعهد، عام‌گرایی

تاریخ دریافت: **۸۶/۱۱/۱۴** ***تاریخ پذیرش:*** **۸۷/۱۰/۱۵**

* کارشناس ارشد رشته پژوهش‌گری علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی <fateminia_siavash@yahoo.com>

** کارشناس ارشد جامعه شناسی سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

مقدمه

فرد ناگزیر از زندگی جمعی با دیگران و عمل بر طبق قراردادهای وضع شده است تا خود بیش‌ترین بهره را از زندگی جمعی با دیگران ببرد و کم‌ترین آسیب از جانب آن‌ها نصیب او شود زیرا زندگی جمعی بیش از هر زمانی نیازمند تعهد و وفاداری اعضای آن است که زمینه را برای حفظ سازوکارهای نظام بخش اجتماعی فراهم می‌آورد و رفتار افراد را قابل پیش بینی و موجب گسترش اعتماد اجتماعی در جامعه و وجود هویت مدنی می‌گردد. بنابراین شهروندی و تعهدات خاص مربوط به آن می‌تواند زمینهٔ بسیار مهمی برای رسیدن به جامعهٔ مدنی باشد. تاجایی که بعضی از صاحب‌نظران چون ترنر، همیلتون، و جانوسکی، شهروند و حقوق و تعهدات مربوط به آن را خود دموکراسی و جامعهٔ مدنی دانسته‌اند (شیانی: ۱۳۸۲ و Janoski:۱۹۹۸). جامعهٔ مدنی بهترین محصول و محمل شهروندی فعال، شهروندی حوزهٔ عمومی، شهروند خوب و شهروند همگانی محسوب می‌شود. وجه مشترک تمام این مفاهیم مسئولیت‌پذیر و متعهد بودن شهروندان و مشارکت آن‌ها در حوزهٔ عمومی جامعه است که فرد را به عنوان شهروند آن جامعه معرفی می‌کند و موجب گسترش حوزهٔ عمومی و توسعهٔ جامعهٔ مدنی را فراهم می‌سازد که از این میان یکی از مهم‌ترین موانع در توسعهٔ سیاسی اجتماعی و شکل‌گیری جامعهٔ مدنی، استبداد و ساختارهای مرتبط با آن است که در تار و پود و اندیشهٔ افراد جامعه رسوخ کرده و فرصت مشارکت و فعالیت را از شهروندان می‌گیرد و آن‌ها را نسبت به جامعه بی‌تفاوت می‌سازد. زیرا جوامع استبدادی و استبدادزده به خاطر ساختار، رویه‌ها و شیوه‌های مربوط به آن دارای مختصات خاصی هستند که آن‌ها را از جوامع دیگر متمایز می‌سازد که از آن جمله می‌توان احساس ناامنی، اقتدارگرایی، بی اعتمادی، خاص‌گرایی، فردگرایی خودخواهانه و آنومی و بسیاری از مسائل دیگر اجتماعی را برشمرد که دارای اثرات روان‌شناختی ـ جامعه شناختی خاص بر پیکرهٔ جامعه می‌باشند و حرکت به سوی مشارکت و مسئولیت‌پذیری و به طور کلی تحقق جامعهٔ مدنی را کند و دچار مشکل می‌سازند. بنابراین بررسی ویژگی‌ها

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

و بسامدهای استبداد و مشخص نمودن تأثیر هـر یـک از آن‌هـا بـر افـزایش و یـا کـاهش تعهدات شهروندی اهمیت بسیار بالایی دارد.

بررسی مفاهیم: تعهدات شهروندی

شهروندی از مباحث بسیار مهمی است که سابقهٔ نسبتاً طـولانی و کهـن دارد. مارشـال توسعهٔ تاریخی شهروندی را به توسعهٔ سرمایه‌داری ارتباط می‌دهد. او مخصوصاً به توسـعهٔ حقوق شهروندی به عنوان یک نظام برابر و به توسعهٔ سـرمایه‌داری بـه عنـوان یـک نظـام نابرابر معتقد بود (نش، ۱۳۸۲). و اشاره می‌کند که اگرچـه شـهروندان بـا هـم برابرنـد امـا طبقات اجتماعی در وضع نابرابری به سر می‌برند. بر همین اساس او از دولت رفاه به مثابهٔ ابزاری برای برابر کردن موقعیت‌ها و حذف نابرابری‌های غیر عادلانـه حمایـت کـرده و در عین حال معتقد بود که نابرابری‌ها باید موجه بمانند زیرا کـه لازمـهٔ یـک اقتـصاد سـالم و علاوه بر آن منعکس کنندهٔ تفاوت‌ها و قابلیت‌های فردی محسوب مـی‌شـوند (فیتزپتریـک، ۱۳۸۱). در همین راستا مارشال سه نوع حقوق را از هـم متمـایز مـی‌کنـد و بـه آن‌هـا بـه صورت تاریخی می‌پردازد و برای آن دوره‌های مختلفی قائل می‌شود. به‌طوری که به عقیدهٔ او حقوق مدنی در قرن هجدهم و حقوق سیاسی در قرن نـوزدهم و حقـوق اجتمـاعی در قـرن بیـستم گـسترش یافتـه‌انـد(Wood & Isin, 1999). از نظـر او شـهروندی ظرفیـت و شایستگی عضویت در یک جامعه است. به بیان دیگـر «شـهروندی منزلتـی اعطـا شـده بـه آن‌هایی است که اعضای کامل یک اجتماع هستند، همهٔ آن‌هایی که این منزلت را دارا هـستند، نسبت به حقوق و وظایفی که ایـن منزلـت بـه آن‌هـا بخـشیده برابرنـد» (Turner, 1994). مارشال تعهد را جزو ضروری و لاینفک شهروندی بر می‌شمارد و بـه زعـم او شـهروندی نیازمند یک احساس مستقیم از عضویت اجتماعی بر اساس وفاداری به مـدنیتی اسـت کـه یک دارایی عمـومی محـسوب مـی‌شـود(Vaughan, 2000). بنـابراین شـهروندی خـوب[1]

1. good citizenship

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

مشخص کنندهٔ افـرادی اسـت کـه بـه طـور کامـل در تعهـدات عـضویتی درگیـر هـستند (Villa, 2001).

بنابراین تعهد یکی از ارکان اصلی شهروندی در هر جامعه است و یکی از منـابع مهـم تعهد و مسئولیت‌پذیری، اخلاق است که به اعتقاد چلبی دارای دو پایهٔ اساسی است، یکـی پایهٔ نظری اخلاق، که قواعد نظری اخلاق را شامل می‌شود و دیگری پایهٔ عملی یا اخـلاق عملی است که پایهٔ احساس تعهد و مسئولیت کنشگران اجتماعی را می‌سازد(چلبـی ۱۳۸٤: ۲۸۰-۲۷۹). در همین زمینه فالکس نیز برای روشن ساختن مفهوم تعهد از منظر شهروندی به آن نگاه کرده و آن‌را از وظیفه متمایز می‌داند. به عقیدهٔ او وظیفه برخاسته از قانون بـوده و عدم رعایت آن مجازات در پی دارد، در صورتی که تعهد داوطلبانه و تجلی همبستگی و پیوند ذهنی فرد با دیگران است. و بر همین اساس نشانهٔ سلامت یک جامعه را توانـایی آن برای اتکای بر تعهدات به جای وظایف، در حفظ لوازم جامعه مـی‌دانـد (فـالکس ۱۳۸۱). هربرت بلومبرگ نیز از نظرگاهی دیگر، بین تعهدات بیرونی(تحمیلی) کـه حاصـل قـرارداد است (مانند ازدواج) و تعهدات درونی که حاصل روابط افراد با یکدیگر است، تفاوت قائل می‌شود. هاوارد بکر نیز بیان می‌دارد که تعهد دارای دو بعد اساسی است که یکـی از آن‌هـا شرط طرفداری است که فرد به جهت منزلت و حمایتی که در یک موقعیـت اجتمـاعی بـه دست می‌آورد، نگهدارنده و حامی آن موقعیت نیز می‌شود. شرط دیگر دادن هزینـه اسـت، یعنی این‌که فرد با توجه به موقعیت‌های جایگزینی که می‌تواند به جای موقعیت فعلی خود برگزیند حاضر است تحمل هزینه نماید و در آن وضعیت باقی بماند (پرچمی، ۱۳۷٤).

بنابراین با توجه به تعاریف و دیدگاه صاحب‌نظران مختلف می‌توان برای تعهد سه بعد قائل شد: بعد احساسی، حاکی از آن است که فرد وقتی در یک موقعیـت قـرار مـی‌گیـرد، احساس می‌کند که باید نقش خود را درست ایفا کند. بعد شناختی، آن است که فرد بدانـد که در آن موقعیت خاص، دیگران از او چه انتظـاری دارنـد و ایـن انتظـارات چـه نتـایجی برایش در پی دارد. بعد عملی، رفتاری است که در یک موقعیت خاص از فرد سر مـی‌زنـد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

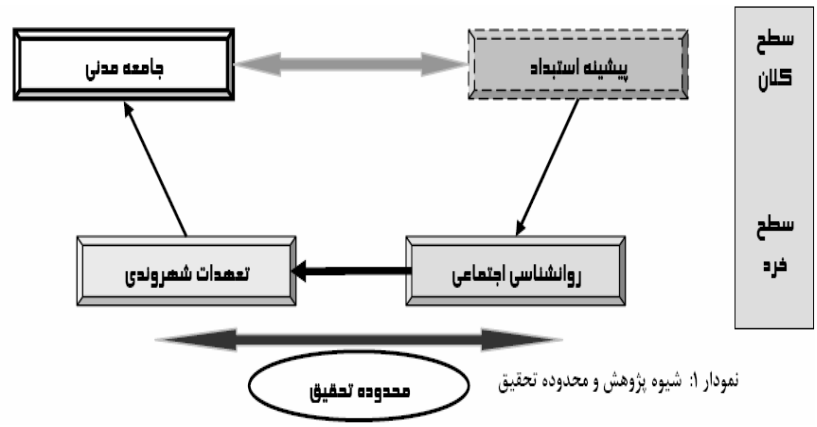
(پرچمی، ۱۳۷٤) به‌طور کلی و خلاصه از مطالعات دانشمندان در مورد تعهد چنین برمی‌آید که:
۱- تعهد یک پدیدهٔ درونی است که تحت تأثیر شرایط اجتماعی (بیرونی) می‌باشد. ۲- تعهد چیزی بیش از وظایف قانونی می‌باشد و هر چه حوزهٔ اعمال ایثارگرانه، خارج از وظایف قانونی گسترده‌تر باشد، نشانهٔ تعهد بیش‌تر است. ۳- تعهد پدیده‌ای است که با توجه به خیر جمعی و با قبول هزینه به وجود می‌آید. ٤- تعهد جنبه عام و هنجاری دارد، یعنی این‌که برای افراد جامعه شناخته شده و مورد پذیرش است، اگرچه ممکن است در رعایت آن سهل انگار باشند(بلومبرگ و بکر به نقل از پرچمی ۱۳۷٤ و فالکس ۱۳۸۱) بنابراین به طور کلی می‌توان گفت که تعهد شهروند وضعیتی احساسی، شناختی و رفتاری است که در شهروند التزامی نسبت به جمع، قواعد، نقش‌ها، هنجارها و ارزش‌های ایجاد می‌کند و باعث می‌شود که فرد با انتظارات دیگران سازگار شود اگرچه در این راه متحمل هزینه نیز بشود.

چارچوب نظری تحقیق

اگر به تاریخ جوامع نگاهی بیاندازیم می‌توان چنین استنباط کرد که هر آن‌چه امروزه تحت عنوان آرمان دموکراسی، شهروندی و جامعهٔ مدنی وجود دارد، چیزی نیست جز حاصل تلاش و مبارزهٔ اجتماعی افراد، گروه‌ها و طبقات مختلف جامعه برای رهایی از استبداد و شیوه‌های حکومتی اقتدارگرایانه(همانند انقلاب مشروطه ۱۲۸۵ و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷). بنابراین بین استبداد و جامعهٔ مدنی یک رابطهٔ دوسویه است، طوری که انبساط هرکدام انقباض دیگری را در پی خواهد داشت. اما تبیین این ارتباط به این شکل شاید بخش مهمی از واقعیت را نادیده بگیرد و نتواند به خوبی سازوکار آن‌را نشان دهد به همین دلیل نیاز به شرح و بسط دارد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

همچنان‌که کاتوزیان نیز عنوان می‌کند، پیشینهٔ استبداد در جامعه موجب تولید نوعی روان‌شناسی اجتماعی می‌کند که بر تعهدات شهروندی اثر می‌گذارد و تعهدات نیز به نوبهٔ خود به خاطر ماهیت مشارکتی آن بر توسعهٔ شهروندی و جامعهٔ مدنی اثر گذار است. بنابراین به زعم کاتوزیان جوامعی که برای مدتی طولانی مبتلا به عارضهٔ استبداد بوده‌اند، یک فرهنگ استبداد در آن جوامع به وجود می‌آید که مختصات خاصی را مشخصهٔ آن‌ها می‌سازد و در همین رابطه به ایران به عنوان کشوری که دارای یک استبداد بسیار کهن است اشاره کرده و عنوان می‌دارد که «ایران در سرتاسر تاریخ خود جامعه‌ای خودکامه داشته، یعنی قدرت و اقتدار پایه در حق و قانون نداشته است» و دولت و جامعه همیشه از هم مستقل بوده و به همین خاطر همیشه با هم دشمنی داشته‌اند(کاتوزیان، ۱۳۸٤).



نمودار ۱: شیوه پژوهش و محدوده تحقیق

استبداد کهن در ایران تنها مربوط به ساختار سیاسی نیست بلکه ایران گرفتار یک استبداد دو سویه است، یکی استبداد حکومتی و دیگری استبداد جامعهٔ استبداد زده (آجودانی، ۱۳۸٤) که از این میان وجود حکومت‌های زورمدار باعث شده که عرصهٔ عمومی به اشغال حکومت درآید و در چنین جوامعی خانواده و تا حدی محله که ادامهٔ وجودی خانوادهٔ فرد است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردد که نتیجهٔ چنین فرآیندی نیز

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

واگذاری امور از ریز و درشت به عهدهٔ حکومت است، امری که امروزه باعث شده تولد شهروند فعال و صاحب حق را به تعویق بیاندازد (پیران، ۱۳۸٤).

استبداد به خودی خود تنها مسئله نیست، بلکه پیامدهای بی‌شماری دارد که فرصت‌های توسعهٔ جامعه را از بین می‌برد که در این راستا فهم روان‌شناسی اجتماعی و الگوهای رفتار عمومی ناشی از شرایط استبداد قابل توجه است. در این رابطه پرداختن به پیوند بین دولت و مردم بسیار حائز اهمیت است زیرا دولت علی‌الاصول از دید افراد، طبقات اجتماعی و از جمله خود کارگزاران دولت یک دشمن بالقوه و بالفعل تلقی می‌شود. اگرچه ممکن است کسی احساس وفاداری به خانواده، اجتماع، فرهنگ ملی(غیر دولتی) و یا حتی کل کشور داشته باشد؛ ولی همین که یک حکومت به عنوان نماد نظام کهن استبداد خودکامه شناخته شد، دوام آن نه بر پایهٔ رضایت، وفاداری بخشی یا طبقاتی، یا ملاحظات فراگیر در مورد دفاع از قلمرو بلکه صرفاً در سایهٔ دیالکتیک ترس و زور خواهد بود. لذا از لحظه‌ای که نیروی خدشه ناپذیر دولت به هر دلیل رو به ضعف بگذارد، کنترل آن بر جامعه سست و افراد، وفاداری و تعهد مجازی خود را از دست می‌دهند(کاتوزیان، ۱۳۸٤) و در چنین شرایطی افراد به دنبال حداکثر منافع مادی سریع الوصول از هر طریق ممکن خواهند بود. چنین جامعه‌ای به زعم فلور (Willem Floor) نظام غنایمی و به زعم کاتوزیان اقتصاد سیاسی کوتاه‌مدت خوانده می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸٤) که در چنین شرایطی مفهوم شهروند و تعهدات متقابل شهروندی نیز شکل نخواهد گرفت.

بنابراین با بررسی آراء و نظرات صاحب‌نظران پیشینهٔ استبداد، نوعی روان‌شناسی اجتماعی خاص ایجاد می‌شود که موجب بازتولید ساختارهای مرتبط با استبداد می‌شود. اما در زمینهٔ ارتباط بین امنیت و بررسی روان‌شناسی اجتماعی آن با تعهدات شهروندی در ابتدا باید به تعاریف مختلفی که از آن ارائه شده است پرداخت که در همین رابطه تعاریف مختلف و متفاوتی از امنیت وجود دارد به طوری که توافق نظری بر این مفهوم را از بین برده است (Alkire, 2003). ولی به طور کلی می‌توان گفت که در مفهوم امنیت دو عنصر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

اساسی وجود دارد که یکی آزادی از ترس و دیگری آزادی از نیاز است(صدیق سروستانی، ۱۳۷۵، بوزان، ۱۳۷۸، فراهانی، ۱۳۸٤، Shinoda, 2004، Hussein, 2004 و IDEA, 2006).

نکته‌ای که در ارتباط با امنیت باید در نظر داشت این ست که بین احساس امنیت و خود امنیت تفاوت وجود دارد (بوزان، ۱۳۷۸). احساس ناامنی در حوزهٔ بررسی مسائل اجتماعی بسیار مهم است زیرا درک و احساس مردم از محیط چه پایه در واقعیت داشته باشد و چه نداشته باشد بر رفتار و کنش افراد اثرگذار است. چلبی بیان می‌دارد که« در صورتی که نظم اجتماعی در جامعه بیش‌تر صبغهٔ سیاسی به خود گیرد و ابعاد اجتماعی آن ضعیف شوند، یعنی ضعف در اجتماع عام و وفاق اجتماعی عام، به همان نسبت نیز روابط بین کنش‌گران در تمام سطوح براساس سوگیری عاطفی و خاص‌گرا تعریف می‌شود، و متناسب با آن میزان اعتماد اجتماعی متقابل تعمیم یافته، تضعیف گشته و علقهٔ امنیتی آن‌ها برجسته می‌شود. در چنین شرایطی و در غیاب طراوت فرهنگی و اجتماعی، انسان‌ها جهت پاسخ‌گویی به نیازهای خود اجباراً به صورت حیوانات سیاسی با محیط ارتباط برقرار می‌کنند، رابطه‌ای که به بیان هگل ارباب و نوکری است و ملاک حق، نیز زور است» (چلبی، ۱۳۸٤).

احساس ناامنی هم‌چنین بنیان نظم اجتماعی را به خطر می‌اندازد و به نوعی باعث افزایش آنومی اجتماعی می‌شود. از لحاظ نظری در جامعه شناسی دورکیمی، آنومی اجتماعی وقتی پدید می‌آید که نظام همبستگی قدیم از هم پاشیده شود و به جای آن نظام همبستگی جدید پیدا نشده باشد. به‌طور کلی به نظر دورکیم مبنای نظم اجتماعی نه مبتنی بر زور بلکه بر هنجارهای اخلاقی است و به کارگیری زور و قوهٔ قهریه در جامعه، یا یک همبستگی کاذب را فراهم می‌آورد و یا این‌که آنومی اجتماعی را در جامعه افزایش می‌دهد. بنابراین در جامعه‌ای که بر پایهٔ یک ایدئولوژی مسلط و خاص که بر اساس نوعی زورمداری حاکم گشته است هر چند که در کوتاه مدت هم‌نوایی افراد و گروه‌ها به دست خواهد آمد ولی در درازمدت موجب شکاف بین ایدئولوژی رسمی و عمل‌کردهای عمومی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

گشته و چون زمینهٔ بروز و مطرح شدن افکار و ایده‌های مختلف وجود نـدارد لـذا هنجـار گریزی و عمیق‌تر شدن شکاف موجود را در پی خواهد داشت (بشیریه، ١٣٨٤).

هم‌چنین باید اشاره کرد که در جوامعی که امنیت و احساس امنیت وجود نداشته باشد، اعتماد نیز پایین است. زیرا که نبود امنیت و احساس خطر، اعتماد را از افراد سلب می‌کنـد و دیگران در نزد او دشمنانی هستند که دائم در پی لطمه زدن و آسیب رساندن به او هستند به همین خاطر تعاملات بین افراد نیز رو به نقصان می‌نهد (چلبی، ١٣٨٤). همچنان‌کـه کـه پکستون(Paxton) نیز در این زمینه بیان می‌دارد، سرمایهٔ اجتماعی دو بخش مهم دارد، یکی انجمن‌های عینی١ بین مردم که شامل گروه‌هایی است که مردم را در زندگی روزانه به هـم پیوند می‌زند و دیگری انجمن‌های ذهنی٢ است که شامل اعتماد و بده بستان اجتماعی بین مردم است(Aallik & Real, O2004). لذا اعتماد که یکی از عناصر اصلی سرمایهٔ اجتمـاعی محسوب می‌شود تعهد اجتماعی را در پی دارد که باعث صـرفه‌جـویی در هزینـه و زمـان می‌شود. (Pretty & Ward, 2001, Petersen, 2002)

بنابراین ساختار و شبکهٔ روابط اجتماعی، احساس وفـاداری و تعهـد افـراد را افـزایش می‌دهد و چنان‌که لاولر و یون نیز اشاره می‌کنند، هر چه که افراد روابط متقابل ایجاد کننـد بیش‌تر احساس مثبت تولید می‌شـود و هـر چـه کـه احـساس مثبـت افـزایش پیـدا کنـد، همبستگی بالا رفته و هر چه همبستگی افزایش پیدا کند، تعهد افراد نیز افزایش پیدا می‌کند و در طول زمان نیز تولید اعتماد کـرده و موجـب تـداوم روابـط مـی‌شـود (Lawler and Yoon:1998 و رفیع‌پور١٣٨٢).

شکل دیگری از روابط که می‌تواند بر جامعه اثـرات مهمـی داشـته باشـد، اینـست کـه روابط اجتماعی تا چه اندازه بر اساس استانداردهای عام است یا خاص؟ همچنان‌که پـیش از این اشاره شد احساس ناامنی موجب شکل‌گیری روابط خاص‌گرایانه می‌شـود. افـراد در

1. objective associations
2. subjective associations

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

محیطی که فاقد اعتماد و امنیت است راهی ندارند جز خزیدن در خلوت کوچک خود که اعضای آن بسیار محدود است که گاهی هم از حد خانواده فراتر نمی‌رود. خاص‌گرایی وضعیتی است که فرد در موقعیتهای اجتماعی مختلف بر اساس استانداردهای عام عمل نمی‌کند و مبتنی بر ارتباط خاص کنش‌گر با سوژهٔ خاص می‌باشد(عظیمی‌هاشمی: ۱۳۷۳). بنابر این اگر سوگیری فرهنگ اجتماع(ما) عام‌گرا باشد، در این صورت اعضای جامعه آمادگی دارند تا احساس تعهد خود را بر اساس اصول اخلاقی پذیرفته شده، به افراد غیر عضو نیز بسط دهند و عملاً آن‌ها را نیز مشمول اخلاقی خود سازند و اگر سوگیری فرهنگی یک جامعه بر خاص‌گرایی بنا شده باشد (که به نوعی همان قبیله‌گرایی است) در این وضعیت اگرچه افراد نسبت به درون گروه احساس تعهد قوی دارند ولی نسبت به برون‌گروه چنین احساسی را ندارند و بیگانه را دشمن بالقوه می‌دانند(چلبی ۱۳۷۵: ۸۳-۸۲).

بنابراین نظم در یک جامعه نمی‌تواند بر پایهٔ زور و تولید ترس و هراس قرار گیرد زیرا که چنین فرآیندی همبستگی کاذب و در نهایت تولید آنومی اجتماعی می‌کند. بنابراین بر اساس تئوری آنومی می‌توان گفت که، در وضعیت بی‌هنجاری، هنجارهای اجتماعی، اقتدار آمرانه و جنبهٔ مطلوب خود را از دست داده و مدیریت اخلاقی لازمه را بر افراد نمی‌توانند اعمال کنند و در نتیجه افراد نمی‌توانند جهت رفتار خویش را تعیین نمایند. لذا فرد در وضعیتی قرار می‌گیرد که به درون خویشتن خود پناه برده و بدبینانه همهٔ پیوندهای اجتماعی را نفی می‌کند. همراه با این وضعیت، اعتماد اجتماعی که لازمهٔ آن وجود ضمانت‌های هنجاری متقابل می‌باشد کاهش یافته و افراد مشارکت کم‌تری در روابط اجتماعی خواهند داشت زیرا احتمال مورد استثمار قرار گرفتن توسط دیگران هر لحظه وجود دارد و در چنین شرایطی تعهدات آن‌ها نیز رو به کاهش می‌گذارد (مبارکی، ۱۳۸۳). از دیگر عوامل مؤثر بر تعهدات شهروندی که می‌توان به ان اشاره کرد احساس محرومیت نسبی است. تز اساسی[1] تئوری محرومیت نسبی، احساس محرومیت است که حاصل تفاوت

1. central thesis

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

بین انتظارات و آن‌چه که در عمل بدست آورده‌ایم می‌باشد. تفاوت بین انتظارات و ماحاصل نتیجهٔ مقایسهٔ اجتماعی۱ با دیگر گروه‌ها و یا افرد دیگر است(Niens & Cairns, 2003). احساس محرومیت نسبی، از درک افراد از عادلانه بودن جامعه نشأت می‌گیرد، یعنی این‌که هرچه که افراد، جامعه را ناعادلانه درک کنند احساس محرومیت آن‌ها نیز بالاتر است (Tropp & Wright, 1999). احساس محرومیت منجر به احساس نارضایتی گردیده و عدم اعتماد را در آن‌ها پرورش می‌دهد. در نتیجه، شانس پیشرفت آن‌ها از طریق معیارهای مشروع مسدود می‌گردد و احساس ناتوانی را به وجود می‌آورد که دشمنی و پرخاشگری و سرانجام انحراف را به دنبال خواهد داشت (مبارکی، ۱۳۸۳). بنابراین افرادی که درک آن‌ها از جامعه و یا سازمان‌هایی که با آن سرو کار دارند دلالت بر عدالت داشته باشد یعنی این‌که جامعه را عدالت محور بپندارد تعهد و مسئولیت‌پذیری بیش‌تری دارند تا آن کسی که جامعه را ناعادلانه می‌پندارد (Aguilera & atel, 2005).

روش تحقیق

این تحقیق به روش پیمایش انجام گرفته است. جامعهٔ آماری تحقیق شهروندان بالای ۱۸ سال شهر تهران است. حجم نمونهٔ تحقیق بعد از حذف پرسش‌نامه‌های نامناسب (نیمه تمام) به میزان ۳۸۵ نفر است که ۱۸۰ نفر آن‌را زنان و ۲۰۵ نفر از آن را مردان تشکیل می‌دهند. شیوهٔ نمونه‌گیری تحقیق نیز ترکیبی از شیوهای نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و تصادفی ساده است. به این صورت که تهران به ۵ منطقهٔ شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شد سپس از بین محلات بلوک‌ها انتخاب شود در ادامه از بین بلوک‌ها منازل مورد نظر انتخاب شدند. متغیرهای مستقل و وابسته این تحقیق از ترکیب طیف‌های مختلف لیکرت و برش قطبین سنجیده شده‌اند. سرمایهٔ اجتماعی از دو بعد اعتماد و روابط ساخته شده است که بر اساس آن میزان اعتماد شخصی و غیر شخصی و

1. social comparisons

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

هم‌چنین میزان مشارکت افراد در حوزهٔ خصوصی و عمومی مورد سنجش قرار گرفته است. آنومی اجتماعی نیز بر اساس طیف برش قطبین و در چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مورد سنجش قرار گرفته است. در سنجش احساس محرومیت نسبی نیز سعی شده است فرد را در وضعیت مقایسه اجتماعی خود با دیگران تعمیم یافته از حیث درآمد، وضعیت مسکن، تفریحات و... قرار داده شود. احساس ناامنی نیز در چهار بعد ناامنی جانی، مالی، فکری و جمعی بر اساس طیف لیکرت سنجیده شده است. عام‌گرایی نیز با قرار دادن پاسخ‌گویان در موقعیت‌های اجتماعی(مانند پلیس و متخلف آشنا، رئیس بانک و مشتری فامیل و...) مورد سنجش قرار گرفته است. تعهدات شهروندی در دو بعد احساس تعهد(تعهد تعمیم‌یافته) و تعهد رفتاری بر اساس طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است. در بعد احساسی، میزان تعهد فرد نسبت به جامعه و کشور سنجیده شده است و در بعد رفتاری به تعهداتی چون رعایت قانون، پرداخت رشوه، پارتی بازی، پرداخت مالیات و... مورد سنجش قرار گرفته است. در تحقیق حاضر از اعتبار سازه‌ای به روش تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده شده است. هم‌چنین در بررسی روایی تحقیق از آلفای کرونباخ استفاده شده است. در جدول شمارهٔ(۱) زیر میزان آلفای کرونباخ هر کدام از متغیرها گزارش می‌شود:

جدول ۱- ضریب روایی مقیاس‌ها در پرسش‌نامهٔ نهایی

متغیرها	پرسش‌نامهٔ نهایی		متغیرها	پرسش‌نامهٔ نهایی	
	تعداد گویه‌ها	ضریب روایی		تعداد گویه‌ها	ضریب روایی
مشارکت در حوزهٔ عمومی	۸	۰/۵۸۳۹	تعهد رفتاری	۱۱	۰/۷۹۸۱
مشارکت در حوزهٔ خصوصی	۵	۰/۵۷۹۶	تعهد تعمیم یافته	۷	۰/۷۱۲۳
اعتماد اجتماعی	۱۲	۰/۷۲۲۰	آنومی اجتماعی	۷	۰/۷۲۶۵
احساس محرومیت نسبی	۷	۰/۷۴۶۱	احساس ناامنی	۹	۰/۶۹۶۲
عام‌گرایی	۵	۰/۷۹۸۵			

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

یافته‌های تحقیق

تحلیل‌های تک متغیری: جامعهٔ آماری تحقیق حاضر شهروندان بالای ۱۸ سال تهران بوده‌اند و حداکثر سن آن‌ها نیز ۸۵ سال بوده است. نزدیک ٥٦/٧ درصد پاسخ‌گویان تحصیلاتی در حد دیپلم و پایین‌تر از دیپلم دارند. حدود ٦٠ درصد متأهل و میانه درآمد خانوارهای جامعه آماری در حدود ٤٠٠٠٠٠ تومان است. جدول شمارهٔ(٢) آماره‌های مربوط به متغیرهای مختلف تحقیق را گزارش می‌کند. این جدول وضعیت جامعهٔ آماری تحقیق را از حیث متغیرهای مستقل و وابسته نشان می‌دهد[1]. همان‌طور که از جدول قابل استنتاج است میانگین تعهدات شهروندی ٦٣/١٤ است. اگرچه نمی‌توان معیاری را برای میزان تعهدات شهروندی تعیین کرد اما هرچه که به ١٠٠ نزدیک‌تر باشد وضعیت جامعهٔ مطلوب‌تر ارزیابی می‌شود.

جدول ٢- شاخص‌های پراکندگی و مرکز متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار	میانه
تعهدات شهروندی	٦٣/١٤	١٧/٢٢	٦٥/١٨
مشارکت در حوزهٔ عمومی	٢٦/٥٥	١٢/٨٢	٢٥/٥٤
مشارکت در حوزهٔ خصوصی	٤٠/٣	١٥/٠٧	٣٩/٨٢
اعتماد اجتماعی	٥٢/٤٦	١٧/٠٧	٥٣/٠٦
سرمایهٔ اجتماعی	٥٤/٤٢	١٥/٧٦	٥٣/٨٩
احساس محرومیت	٥١/٤٥	١٥/٥٧	٥١/٦٤
آنومی	٦٥/٦٥	٢٠/٩٠	٦٥/٠٣
احساس ناامنی	٥٩/٦٠	٢٠/٨٨	٥٨/٨٩
عام‌گرایی	٥٦/٤٠	٢٤/٠١	٥٨/٠٤

١ـ جهت قابل فهم ساختن و مقایسه پذیری متغیرهای تحقیق، تمامی شاخص‌ها تغییر مقیاس یافته‌اند، طوری که دامنهٔ هر شاخص از ٠ تا ١٠٠ می‌باشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

میزان احساس ناامنی شهروندان ۵۹/۶۰ است که با توجه به میانه می‌توان گفت که ۵۰ درصد شهروندان احساس ناامنی بالاتر از ۵۸/۸۹ دارند. این میزان بالای احساس ناامنی وضعیت نامطلوبی را گزارش می‌کند. از دیگر نتایج جالب توجه تحقیق بالا بودن میزان آنومی اجتماعی و پایین بودن مشارکت در حوزهٔ عمومی و خصوصی است. به عبارت دیگر شهروندان هنجارهای اجتماعی را راهنمای رفتار خود نمی‌دانند و علاوه بر آن به‌طور کلی مشارکت آن‌ها در حوزهٔ خصوصی و عمومی پایین است. دیگر متغیرهای تحقیق به‌طور خلاصه در جدول شمارهٔ(۱) گزارش شده‌اند.

تحلیل‌های دو متغیری

با توجه به مباحث نظری سرمایهٔ اجتماعی از دو بعد روابط و اعتماد اجتماعی ساخته شده است که نتایج به دست آمدهٔ مدل نظری را تأیید می‌کند. اما در مورد متغیر احساس ناامنی باید گفته شود که مدل نظری احساس ناامنی را به چهار بعد احساس ناامنی مالی، جانی، فکری و جمعی تقسیم می‌کند. اما نتایج تحلیل عاملی ابعاد احساس ناامنی مالی و احساس ناامنی جمعی را روی یک عامل بار کرده است. لذا در این تحقیق نیز این دو بعد تحت عنوان احساس ناامنی جمعی شاخص‌سازی شده‌اند. جدول شمارهٔ(۳) ماتریس ضرایب همبستگی میان ابعاد سرمایهٔ اجتماعی، احساس ناامنی و تعهدات شهروندی را بین پاسخ‌گویان نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که در بررسی همبستگی دو به دوی متغیرهای تحقیق غیر از دو مورد، بقیهٔ روابط دارای تبیین نظری است که در جدول زیر این دو مورد گزارش شده‌اند.

جدول۳ – همبستگی دو به دوی ابعاد سرمایهٔ اجتماعی و احساس ناامنی با تعهدات شهروندی

متغیر	روابط اجتماعی	اعتماد اجتماعی	احساس ناامنی جمعی	احساس ناامنی فکری	احساس ناامنی جانی
تعهدات شهروندی	-۰/۱۱٤*	۰/۳٤۳**	-۰/۲۲۹**	-۰/۳۰۲**	۰/۱۷۱**

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

مباحث نظری بیان‌گر اثر منفی احساس ناامنی بر تعهدات شهروندی است اما همان‌طور که از جدول شمارهٔ (۳) پیداست برعکس آن‌چه که تصور می‌شد احساس ناامنی جانی دارای رابطهٔ مثبت با تعهدات شهروندی است. در پاسخ به این‌که چرا این رابطه مثبت است و نه منفی می‌توان چنین ادعا کرد که پاسخ‌گویان در ارزیابی منابع تولید احساس ناامنی، احساس ناامنی جانی را نه ناشی از ساختارهای سیاسی بلکه بیش‌تر تهدیدی فردی(برای مثال اراذل و اوباش) از جانب جامعه می‌دانند که ساختار سیاسی در آن نقشی ندارد. بنابراین با توجه به تأکیدی که بر استبداد و ساختارهای مربوط به آن بوده می‌توان چنین نتیجه گرفت که این یافته مؤید چنین تأکیدی است. هم‌چنین براساس مباحث نظری هرچه که افراد از روابط بیش‌تری برخوردار باشند، بر میزان تعهدات آن‌ها افزوده می‌شود. اما همان‌طور که از جدول قابل استنتاج است، افزایش روابط اجتماعی اثری کاهشی بر تعهدات داشته است. برای پاسخ‌گویی به این مطلب باید گفته شود که روابط اجتماعی از دو بعد روابط در حوزهٔ خصوصی و روابط در حوزهٔ عمومی ساخته شده‌اند. لذا پس از گرفتن همبستگی بین ابعاد روابط اجتماعی و تعهدات شهروندی این نتیجه حاصل شد که روابط در حوزهٔ عمومی دارای همبستگی مثبت و معنادار با تعهدات شهروندی می‌باشد، در صورتی که روابط در حوزهٔ خصوصی دارای رابطهٔ منفی و معنادار با تعهدات شهروندی می‌باشد. به بیان دیگر می‌توان گفت روابط در حوزهٔ خصوصی نمایان‌گر سرمایهٔ اجتماعی سنتی می‌باشد که افراد را در درون محدوده‌های خاص‌گرایانه محصور می‌کند. اگرچه افراد در درون این محدوده‌ها از تعهد بالایی برخوردارند اما تعهد آن‌ها نسبت به کل جامعه پایین است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که زنان با میانگین ٦٥/٤٢ از تعهد بالایی نسبت به مردان(٦١/١٦) برخوردارند. بررسی نتایج آزمون T مستقل این تفاوت میانگین را تأیید می‌کند. هم‌چنین در بررسی نتایج آزمون T معلوم شد که بین میانگین احساس ناامنی زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر این‌که زنان با میانگین ۸۰/۷۰ بیش از مردان(٦٧/٤٩)، جامعه را ناامن ارزیابی نموده‌اند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

تحلیل‌های چند متغیری(رگرسیون)

در تحقیق حاضر برای تبیین متغیر تعهدات شهروندی توسط متغیرهای مستقل از روش رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. یافته‌های جدول (٤) حاکی از آن است که سرمایهٔ اجتماعی، عام‌گرایی، احساس ناامنی به عنوان مهم‌ترین تبیین‌کننده‌های تعهدات شهروندی در این پژوهش می‌باشند. به عبارت دیگر، هر چقدر سرمایهٔ اجتماعی و عام‌گرایی فرد در یک جامعه بالا باشد و علاوه بر آن از احساس ناامنی کم‌تری برخوردار باشد، میزان تعهدات شهروندی او بیش‌تر خواهد بود.

همان‌طور که از جدول (٤) پیداست، مدل ۱۳ به عنوان مدل بهینه در تبیین متغیر وابسته قابل بحث و بررسی است. در این مدل علاوه بر کلیهٔ متغیرهای اصلی، سن و جنس نیز وارد معادله شده که در مجموع توانسته‌اند ۰/٤٤۳ واریانس تعهدات شهروندی را تبیین کنند. لازم به ذکر است که متغیر جنس به صورت متغیر تصنعی وارد معادله شده است(مرد کد۱و زن کد۲). بنابراین با توجه به میزان بتای(۰/۱٦) آن در معادله و معنادار بودن آن، جنسیت رابطه‌ای مثبت با تعهدات شهروندی داشته است. یعنی این‌که هرچه که جنسیت به طرف بیش‌تر(زن) می‌رود، تعهدات شهروندی نیز افزایش پیدا می‌کند. به عبارت دیگر این که تعهدات شهروندی زنان از مردان بیش‌تر است.

جدول ٤ – رگرسیون متغیرهای مستقل بر تعهدات شهروندی

متغیرهای مستقل	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ٤	مدل ٥	مدل ٦	مدل ۷	مدل ۸	مدل ۹	مدل ۱۰	مدل ۱۱	مدل ۱۲	مدل ۱۳
عام‌گرایی	۰/٤۸۲*** ۱۰/۷٥۹							۰/٤۱۷*** ۹/٦٥۳	۰/۳۹٤*** ۹/۱۲۲	۰/۳۹۰*** ۹/۰۷۲	۰/۳۹۱*** ۹/۰۷۳	۰/۳۲٥*** ۷/۷٥٥	۰/۲۹٤*** ۷/۰۲۳
سرمایه اجتماعی		۰/۳۹۰*** ۸/۲۷۷						۰/۲۹۹*** ٦/۹۱۸	۰/۲۲٤*** ٤/٦۷۸	۰/۲۰۲*** ٤/۱٤۸	۰/۲۰۰*** ٤/۰۷۷	۰/۱۸۱*** ۳/۸۹٥	۰/۱۹۲*** ٤/۱۹٥
احساس ناامنی			-۰/۳٦۸*** -۷/۷٥٤					-۰/۱٦۸*** -۳/٥۰٦	-۰/۱۳٤*** -۲/٦٥۳	-۰/۱۳٦*** -۲/٦۷۹	-۰/۱۳٦*** -۲/٦۷۹	-۰/۱٥۳*** -۳/۱۸۹	-۰/۱٥۷*** -۳/۳۳۸
آنومی اجتماعی				-۰/۳۰۳*** -٦/۲۷۷						-۰/۱۰۱*** -۲/۱۰۸	-۰/۱۰۱*** -۲/۱۱۳	-۰/۰٦۳*** -۱/۳۷۳	-۰/۰۷۲*** -۱/٦۱٤
محرومیت نسبی					-۰/۰۰۸*** -۰/۱٤۷						-۰/۰۱۹*** -۰/٤٤۷	-۰/۰۷٦*** -۱/۸۸٦	-۰/۰٥۲*** -۱/۳۱۱
سن						۰/٤۱۲*** ۸/۸۳۱						۰/۲۸٥*** ٦/۷۹۷	۰/۳۰٤*** ۷/۳۳٥

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

متغیرهای مستقل	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ٤	مدل ٥	مدل ٦	مدل ۷	مدل ۸	مدل ۹	مدل ۱۰	مدل ۱۱	مدل ۱۲	مدل ۱۳
جنسیت(مرد۱ و زن ۲)							-						۰/۱٥٤*** ۳/۸٥۲
ضریت تعیین	۰/۲۳۲	۰/۱٥۲	۰/۱۳٦	۰/۰۹۲	۰/۰۰۰	۰/۱۷۰	-	۰/۳۱۸	۰/۳۳۹	۰/۳٤۷	۰/۳٤۷	۰/٤۲۱	۰/٤٤۳
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۳۰	۰/۱٥۰	۰/۱۳۳	۰/۰۹۰	۰/۰۰۳	۰/۱٦۷	-	۰/۳۱٤	۰/۳۳٤	۰/۳٤۰	۰/۳۳۸	۰/٤۱۲	۰/٤۳۳
تعداد مشاهدات	۳۸٤	۳۸٤	۳۸٤	۳۸٤	۳۸٤	۳۸۳	-	۳۸٤	۳۸٤	۳۸٤	۳۸٤	۳۸۳	۳۸۳
*p<۰/۰٥ **p<۰/۰۱ ***p<۰/۰۰۱													

یکی از یافته‌های جالب توجه در رگرسیون چند متغیری ارتباط سن با تعهدات شهروندی است. همان‌طور که از جدول(٤) قابل استنتاج است، متغیر سن در مدل(۱۳) رابطهٔ معنادار با میزان بتای ۰/۳۰٤ داشته است. یعنی این‌که هرچه که بر سن افراد افزوده می‌شود، بر میزان تعهدات آن‌ها نیز افزوده می‌شود. این متغیر در رگرسیون دو به دو که در مدل(٦) گزارش شده است با میزان بتای ۰/٤۱۲ به تنهایی توانسته است ۱۷ درصد از واریانس تعهد را تبیین کند. این نتایج نشان می‌دهد که اگرچه ممکن است متغیرهایی در سنین بالاتر(تأهل، افزایش آگاهی و...) وجود داشته باشد که تعهد افراد را افزایش دهد اما این واقعیت را نیز نشان می‌دهد که برای بهبود و افزایش تعهد شهروندان نسبت به جامعه باید برنامه‌ریزی و آموزش‌های بسیاری در سنین پایین (نوجوانی و جوانی) صورت گیرد.

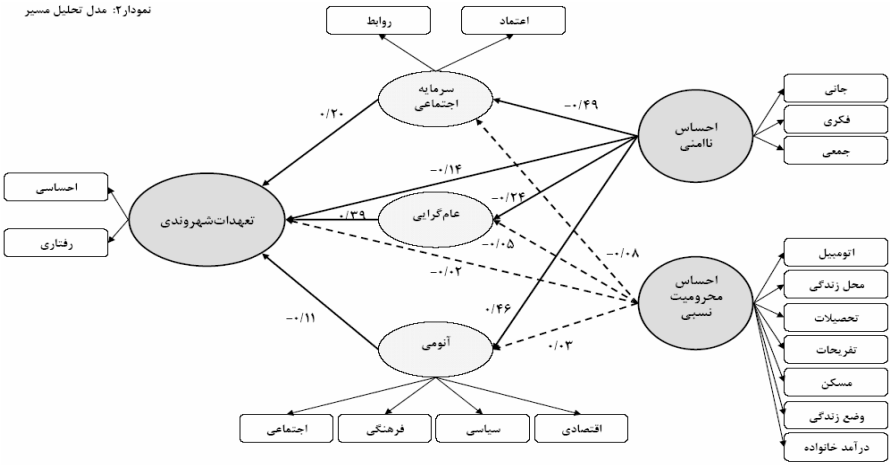
تحلیل مسیر

نمودار(۲) اثرات معنادار و غیرمعنادار و هم‌چنین مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل اصلی(بدون زمینه‌ای) را بر تعهدات شهروندی نشان می‌دهد. همان‌طور که از مدل پیداست سرمایهٔ اجتماعی رابطه‌ای مثبت و معنادار به میزان ۰/۲۰ با تعهدات شهروندی دارد به این معنا که با افزایش سرمایهٔ اجتماعی میزان تعهدات شهروندی نیز افزایش پیدا می‌کند. متغیر عام‌گرایی نیز همانند سرمایهٔ اجتماعی و مطابق با نظریات، اثری مثبت و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

معنادار با تعهدات شهروندی دارد. این رابطه، قوی‌تر از سرمایه اجتماعی بوده و بـه میـزان ۰/۳۹۱ می‌باشد، به این معنا که با افزایش عام‌گرایـی افـراد تعهـدات شـهروندی آن‌هـا نیـز افزایش پیدا می‌کند. متغیر دیگر آنومی اجتماعی می‌باشد که رابطـه‌ای منفـی و معنـادار بـه میزان ۰/۱۰۱- با تعهدات شهروندی داشته است. یعنی این‌که با افزایش آنومی اجتماعی از میزان تعهدات شهروندی کاسته خواهد شد. متغیر احساس محرومیـت نـسبی هـیچ رابطـهٔ معناداری با دیگر متغیرها ندارد. متغیر دیگر احساس ناامنی است که به عبارتی تأکید اصلی تحقیق (پیشینه استبداد) بر مبنای آن واقع شده است. یعنی همان استبداد و تولیـد احـساس ناامنی.

نمودار۲: مدل تحلیل مسیر



همان‌طور که از مدل تحلیل مسیر[1] پیداست این متغیر رابطه‌ای مـستقیم و غیـر مـستقیم با تعهدات شهروندی دارد. اثر مستقیم این متغیر بر تعهـدات شـهروندی بـه میـزان ۰/۱٤- می‌باشد که بیان‌گر رابطه‌ای منفی و معنادار با تعهدات شهروندی است یعنی این‌که هر چـه که احساس ناامنی افزایش پیـدا کنـد از میـزان تعهـدات شـهروندی کاسـته خواهـد شـد.

۱ـ خطوط ممتد به معنای معناداری و خطوط منقطع به معنای غیر معناداری است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

همان‌طور که از مدل پیداست احساس ناامنی رابطه‌ای منفی و معنادار با سرمایهٔ اجتماعی به میزان ۰/٤۸۵- دارد، بنابراین با افزایش احساس ناامنی از میزان سرمایهٔ اجتماعی کاسته خواهد شد. هم‌چنین رابطهٔ احساس ناامنی با عام‌گرایی به میزان ۰/۲۳۲- می‌باشد، این رابطهٔ معنادار و منفی است که با افزایش احساس ناامنی از میزان عام‌گرایی افراد کاسته خواهد شد. علاوه بر این احساس ناامنی رابطه‌ای مثبت و معنادار با آنومی اجتماعی به میزان ۰/٤٥٤ دارد، یعنی این‌که با افزایش احساس ناامنی بر میزان آنومی اجتماعی افزوده خواهد شد.

همان‌طور که از نمودار(۲) پیداست احساس ناامنی اثراتی غیر مستقیم بر تعهدات شهروندی دارد که از ضرب دو به دوی مسیرها حاصل می‌شود. این اثرات غیر مستقیم از طریق سرمایهٔ اجتماعی به میزان ۰/۰۹٦-، از طریق عام‌گرایی به میزان ۰/۰۹۰- و هم‌چنین از طریق آنومی اجتماعی به میزان ۰/۰٤٥ می‌باشد. که در نهایت می‌توان گفت که احساس ناامنی از طریق کاهش سرمایهٔ اجتماعی و عام‌گرایی و هم‌چنین افزایش آنومی اجتماعی بر تعهدات شهروندی اثر می‌گذارد. لازم به ذکر است که اثر کلی(مستقیم و غیر مستقیم) احساس ناامنی بر تعهدات شهروندی به میزان ۰/۳٦۷- می‌باشد.

نتیجه‌گیری

نظر به این‌که پیوند سطوح خرد و کلان از دغدغه‌های اخیر پژوهش‌های اجتماعی(چه نظری و چه عملی) است و تلاش‌های نسبتاً موفق و نا موفقی در این راستا صورت گرفته است، این تحقیق ادعای تبیین نحوه و شیوه پیوند سطوح خرد و کلان را ندارد اما منفعل نمانده است و با بررسی آراء و نظرات صاحب‌نظران خواسته است اثرگذاری سطح کلان بر سطح خرد را در ارتباط با مسئلهٔ پژوهش نشان دهد. این تحقیق اگرچه در سطح خرد انجام گرفته است، اما بسط و بررسی مباحث نظری راه حل و علت مسئله را در سطح کلان جستجو می‌کند. با قبول این‌که در سطوح و فرآیندهای مختلف عوامل متعددی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

می‌تواند بر تعهدات شهروندی اثر گذارد اما پژوهش حاضر سطح کلان و تـأثیرگـذاری آن در سطح خرد را به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر تعهدات شهروندی می‌نگرد.

بنابراین به طور کلی و با توجه مباحث نظری و یافته‌های تحقیق می‌توان چنـین نتیجـه گرفت که پیشینهٔ استبداد نوعی روان‌شناسی اجتمـاعی و ویژگـی‌هـای رفتـاری بـه جامعـه می‌بخشد(مانند احساس ناامنی، کاهش اعتماد اجتماعی، کاهش مشارکت و...) که تعهـدات شهروندی را تحت تأثیر قرار داده و در کوتاه مدت تعهدات شهروندی را کاهش می‌دهد و در نهایت حرکت به سوی جامعه مدنی به تأخیر می‌افتد و علاوه بر آن ساختارهای مـرتبط با استبداد در جامعه بازتولید می‌شود.

یکی از عوامل مؤثر بر تعهدات شهروندی سرمایهٔ اجتماعی است که رابطه‌ای مثبـت بـا تعهدات دارد. یعنی این‌که هرچه اعتماد و مشارکت اجتماعی شـهروندان افـزایش یابـد بـر میزان تعهدات آن‌ها نیز افزوده می‌شود. عام‌گرایی نیز رابطه‌ای مثبت با تعهدات دارد به ایـن معنا که هر چه هنجارهای افراد عام محور و خارج از حوزه‌های خاص‌گرایانه باشـند و بـر اساس استانداردهای عام عمل کنند، از تعهدات بیش‌تری برخوردارند. آنومی اجتماعی نیـز رابطه‌ای منفی با تعهدات دارد، بنابراین هر چه هنجارهای یک جامعه دچار اختلال شوند و نتوانند رفتار شهروندان را راهنمایی کنند تعهدات شهروندان نیز رو به نقـصان مـی‌گـذارد. یکی از متغیرهای اصلی تحقیق احساس ناامنی است. نتایج تحلیـل مـسیر نـشان مـی‌دهـد احساس ناامنی که بخش مهمی از تأکید کلی تحقیق را بـه دوش مـی‌کـشد عـلاوه بـر اثـر مستقیم اثرات غیر مستقیمی بر تعهدات شهروندی داشته است. اثر مستقیم احساس نـاامنی بر متغیر وابسته منفی بوده است. اثر غیر مستقیم این متغیـر نیـز از طریـق کـاهش سـرمایهٔ اجتماعی و عام‌گرایـی و هـم‌چنـین افـزایش آنـومی اجتمـاعی اسـت کـه در مجمـوع اثـر کل(مستقیم و غیر مستقیم) آن به میزان ۰/۳۸ می‌باشد. علاوه بر متغیرهای اصلی تحقیق دو متغیر زمینه‌ای سن و جنس وارد معادله رگرسیون چندمتغیره شدند که روابـط معنـاداری را با تعهدات شهروندی داشته‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آنست که زنان بیش از مـردان تعهـد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

دارند و علاوه بر آن هرچه که بر سن افراد افزوده می‌شود بر میزان تعهدات آن‌ها نیز افزوده می‌شود. در مجموع متغیرهای اصلی و زمینه‌ای تحقیق توانسته‌اند در حدود ۰/٤٥ درصد واریانس تعهدات شهروندی را تبیین کند و مابقی این واریانس ناشی از متغیرهایی است که خارج از حوزهٔ بررسی این تحقیق بوده‌اند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

منابع و مآخذ

References

- آجودانی، ماشاا...(۱۳۸٤)، **مشروطهٔ ایرانی**، تهران، نشر اختران.
- بشیریه، حسین(۱۳۸٤)، زمینه‌های اجتماعی بحران سیاسی در ایران معاصر، **مجلهٔ رفاه اجتماعی**، شمارهٔ ۱٦، دانشگاه علوم بهزیستی.
- بوزان، باری(۱۳۷۸). **مردم، دولت و هراس**، پژوهشکدهٔ مطالعات راهبردی.
- پرچمی داود(۱۳۷٤). **تعهد اجتماعی جوانان و عوامل مؤثر بر آن**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی محمد صادق مهدوی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- پیران، پرویز(۱۳۸٤)، پیامدها و واکنش‌های آشکار ناشی از بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی، تهران، **فصلنامهٔ رفاه اجتماعی**، شمارهٔ ۱٦، دانشگاه علوم بهزیستی.
- چلبی، مسعود(۱۳۷۵)، تعهد کار، **مجلهٔ نامهٔ پژوهش**، شماره ۵، تهران.
- چلبی، مسعود(۱۳۸٤)؛ «**جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی**»، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- رفیع‌پور، فرامرز(۱۳۸۲). **تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی**، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- شیانی، ملیحه(۱۳۸۲). **شهروندی و موانع تحقق آن در ایران**، رسالهٔ دکتری جامعه شناسی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- صدیق سروستانی، رحمت ا...(۱۳۷۵). **عوامل و موانع اجتماعی امنیت در ایران**، همایش توسعه و امنیت عمومی، انتشارات وزارت کشور، تهران.
- عظیمی هاشمی، مژگان(۱۳۷۳). **عوامل مؤثر بر عام‌گرایی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی مسعود چلبی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- فالکس، کیث(۱۳۸۱): **شهروندی**، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، کویر، چاپ اول.
- فراهانی، محمد(۱۳۸٤)، **جامعه‌شناسی فساد و امنیت**، تهران، انتشارات پرسمان.
- فیتزپتریک، تونی(۱۳۸۱): **نظریهٔ رفاه**، ترجمهٔ هرمز همایون‌پور، تهران، مؤسسهٔ عالی پژوهش تأمین اجتماعی، چاپ اول.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

منابع و مآخذ References

- کاتوزیان، محمدعلی همایون(۱۳۸٤)، **اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسلهٔ پهلوی**، ترجمهٔ محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشرمرکز.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون(۱۳۸٤)، **تضاد دولت ملت در ایران: نظریه تاریخ و سیاست در ایران**، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشرنی.
- مبارکی، محمد(۱۳۸۳). **بررسی رابطهٔ سرمایهٔ اجتماعی و جرم**، رسالهٔ کارشناسی ارشد، گروه جامعه شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- نش، کیت(۱۳۸۲). **جامعه‌شناسی سیاسی معاصر(جهانی شدن، سیاست، قدرت)**، ترجمهٔ محمدتقی دلفروز، با مقدمهٔ حسین بشیریه، نشر کویر، تهران.

- Aguilera. R & ETAL(2005),"**Putting The Back In Corporate Social Responsibility: A Multi-Level Theory Of Social Change In Organizations**", Department of Business Administration College of University of Illinois at Champaign-Urbana.
- Alkire. S(2003),"A Conceptual Framework Human Security", **Centre for Research on Inequality**, Human Security and Ethnicity, CRISE, Queen Elizabeth House, University of Oxford.
- ALLIK. J & REALO. A(2004),"Individualism-Collectivism And Social Capital", University of Tartu, Estonia, **Journal Of Cross-Cultural Psychology**.
- Edward J. Lawler and Jeongkoo Yoon. 1998. "Network Structure and Emotion in Exchange Relations." **American Sociological Review**.
- Hussein. K & Gnisci. D & Wanjiru. J(2004),"Security And Human Security:An Overview Of Concepts And Initiatives What Implications For West Africa?" **Issues Paper**.
- IDEA(2006),"Democracy, Conflict and Human Security", **Publications Office International IDEA**, Stockholm Sweden.
- Isin.F.E & Wood.P.K(1999)"**Citizenship & Identity",**Sage Publication, in association with theory culture & society series.
- Janoski, T.(1998) "**Citizenship and Civil Society**", Cambridge: Cambridge University. Press.
- Niens.U & Cairns.E(2003),"Explaining **Social Change and Identity Management Strategies New Directions for Future Research**", Theory & Psychology, Sage Publications.
- PETERSEN. D(2002),"The Potential of Social Capital Measures in the Evaluation of Comprehensive Community-Based Health Initiatives", **American Journal of Evaluation**.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

References

منابع و مآخذ

- PRETTY. J & WARD. H(2001),"**Social Capital and the Environment**", University of Essex, Colchester, Elsevier Science Ltd.
- Shinoda. H(2004),"Chapter 1 The Concept of Human Security: Historical and Theoretical implications", **IPSHU English Research Report Series No**.
- TROPP.L & WRIGHT. S(1999),"Ingroup identi®cation and relative deprivation: an examination acrossmultiple social comparisons", University of California, **Journal of Social Psychology Eur**.
- Turner, B. and Hamilton, P. (eds) (1994) Citizenship: **Critical Concepts. London: Routledge**.
- Vaughan. B(2000),"**Punishment and conditional citizenship**", Sage Publication. London, Thousand Oaks and New Delhi.
- Villa.D(2001),"**Socratic Citizenship**", Princeton University Press, Princeton & Oxford.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]